

بررسی و مقایسه ناآرامی های ۱۴۰۱ تهران براساس رویکرد شهید امام خامنه ای و هانتینگتون

ابوالفضل امیری^۱، سید علی حسینی^۲

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی بحران اجتماعی سال ۱۴۰۱ در تهران بر اساس نظریه امام خامنه ای و هانتینگتون انجام شده است. این رخدادها شامل اعتراضات و ناآرامی های گسترده ای بود ندکه در نقاط مختلف کشور بویژه در تهران رخ داد و بازتابی از شکاف های اجتماعی و سیاسی محسوب گردید. این پژوهش با تحلیل تطبیقی حوادث و با بهره گیری از رویکرد دو صاحب نظر یاد شده انجام پذیرفته است. جامعه آماری و داده ها شامل بهره گیری از سخنان امام خامنه ای (ره) در سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ مرتبط با بحران ۱۴۰۱ و نظرات ساموئل هانتینگتون در کتب سامان سیاسی و برخورد تمدن ها و مقالات تحلیلی مرتبط با موضوع بوده است. برای تحلیل داده ها، از روش تحلیل کیفی و تطبیقی استفاده شد. ابتدا نظریه بی ثباتی سیاسی و برخورد تمدن های ساموئل هانتینگتون بررسی شد. سپس با تطبیق آن با ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران بویژه رویکرد امام خامنه ای مورد تحلیل محتوایی قرار گرفت تا ابعاد فرهنگی، روانی و امنیتی اغتشاش ۱۴۰۱ بهتر فهمیده شود. یافته ها نشان دادند که در حوادث ۱۴۰۱ تعامل و ترکیب پیچیده ای از عوامل ساختاری، فرهنگی، روان شناختی و بین المللی نقش در این بحران داشتند. مدل تلفیقی ارائه شده گویای این است که مدیریت بحران های مشابه نیازمند ارتقای آگاهی عمومی و انسجام ملی برای کاهش آسیب های اجتماعی و تقویت هم زمان نهادهای پاسخ گو و سرمایه اجتماعی است.

کلمات کلیدی: ناآرامی ۱۴۰۱، بی ثباتی سیاسی، امام خامنه ای و هانتینگتون

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران، ایران، aboa269@gmail.com

۰۹۳۹۳۵۰۰۱۱۳

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بحران، دانشگاهی جامع امام حسین (ع)

مقدمه

حوادث و ناآرامی‌های تهران در سال ۱۴۰۱ از جمله مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رخداد‌های اجتماعی و سیاسی معاصر ایران محسوب می‌شوند که توجه محققان، سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران اجتماعی را به خود جلب کرده‌اند. این حوادث شامل مجموعه‌ای از اعتراضات، تجمعات و واکنش‌های مردمی بودند که در نقاط مختلف شهر تهران و برخی دیگر از شهرهای کشور رخ دادند و بازتابی از شکاف‌ها و نارضایتی‌های انباشته‌شده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوب شدند. بررسی این تحولات از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد چگونه عوامل ساختاری، فرهنگی، روان‌شناختی و بین‌المللی می‌توانند همزمان در شکل‌دهی به بحران‌های اجتماعی اثرگذار باشند از طرف دیگر، دیدگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی بر عوامل فرهنگی، اعتقادی و امنیتی متمرکز است و نقش ارزش‌ها، باورها و انسجام ملی را در مدیریت بحران‌ها برجسته می‌کند. ضرورت این پژوهش از چند جنبه قابل توجه است. نخست، بررسی علل و زمینه‌های ناآرامی‌های تهران می‌تواند به درک بهتر فرآیندهای سیاسی و اجتماعی کشور کمک کند و نقاط ضعف موجود در پاسخ‌گویی نهادهای سیاسی را آشکار سازد. دوم، ارائه تحلیلی تلفیقی از رویکردهای مرتبط، امکان مقایسه و ارزیابی چارچوب‌های نظری را فراهم می‌کند و می‌تواند به توسعه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و امنیتی در ایران کمک کند. سوم، نتایج این پژوهش می‌تواند راهکارهایی عملی و کاربردی برای پیشگیری از بحران‌های مشابه و تقویت تاب‌آوری اجتماعی و سیاسی ارائه دهد.

تعاریف و ادبیات نظری

نا آرامی اجتماعی

منظور از ناآرامی عبارت است از ابراز نارضایتی گروه‌هایی از مردم که باعث برهم خوردن نظم جامعه و وقوع جرائم و تخلفها میشود (عسگری، ۱۳۹۹، ص ۲۸۴). مختل نمودن رفت و آمد مردم بستن خیابانها حمله پراکنده و کم شدت به عوامل انتظامی و شهروندان وارد آوردن آسیب و خسارت به اموال عمومی و خصوصی دادن شعارهای خلاف اصول و مبانی جامعه و اموری از این قبیل که به صور آگاهانه یا ناآگاهانه صورت میگیرد و با قواعد و قوانین جاری کشور در تعارض است از مصادیق ناآرامی به شمار می آید (الیاسی، محمد حسین ۱۳۸۲، ۹۲) نا آرامی ها منجر به اجتماعات غیر قانونی میگردد که به اشکال زیر مشاهده میشوند اعتصاب تحصن تجمع و ازدحام راهپیمایی و تظاهرات اغتشاش قیام، بلوا و آشوب (شاه بهرامی، ۱۳۸۸، ۶۶) نا آرامی را به عنوان یک شکاف بین دولت و جامعه میتوان تعریف کرد که این ناآرامی باعث بی ثباتی سیاسی در جامعه میشود ناآرامی پدیده ای است که زائیده مسائلی همچون تظاهرات خشونت آمیز خیزشهای اجتماعی ناکامی و بن بست اقتصادی است (احمدی الوند و شمسایی، ۱۳۹۲، ۳۲).

ساموئل هانتینگتون و نظریه برخورد تمدن‌ها

نظریه برخورد تمدن‌ها توسط ساموئل هانتینگتون در دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شد. او در مقاله‌ای با عنوان "برخورد تمدن‌ها" و سپس در کتابی با همین نام، استدلال کرد که درگیری‌های آینده جهان بیشتر بر اساس تفاوت‌های فرهنگی و تمدنی خواهد بود تا

ایدئولوژی‌های سیاسی یا اقتصادی. هانتینگتون تمدن‌ها را به‌عنوان بزرگ‌ترین واحدهای فرهنگی تعریف کرد و معتقد بود که تضادهای تمدنی در مرزهای تمدن‌ها بیشتر رخ می‌دهند. هانتینگتون همچنین تأکید داشت که جهانی شدن و افزایش تعاملات بین‌المللی، تنش‌های فرهنگی را تشدید می‌کند. این نظریه به‌ویژه در تحلیل روابط بین‌الملل و تحولات اجتماعی-فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، ۱۳۸۴).

هانتینگتون و نظریه کارکردگرایی سیاسی انقلابها

هانتینگتون انقلاب را در کشورهای به اصطلاح جهان سوم به شیوه ای کارکردی توضیح می‌دهد. به نظر او انقلاب اساساً در جوامعی رخ می‌دهد که از یک سو شاهد افزایش مشارکت و بسیج سیاسی گروه‌هایی هستند که بیشتر از صحنه سیاست خارج بوده‌اند و از سوی دیگر این کشورها فاقد نهادهای سیاسی لازم برای جذب این مشارکت هستند. در این جوامع نوسازی اقتصادی رخ داده است، اما توسعه سیاسی هنوز واقع نشده است. اصولاً در جوامع با ثبات سنتی که در آنها میزان مشارکتی سیاسی افزایشی نمی‌یابد و نیز در جوامع با ثبات پیشرفته دموکراتیک که در آنها نهادهای سیاسی جدید برای پذیرش مشارکت فزاینده پیدا شده‌اند، انقلاب صورت نمی‌گیرد. تنها در جوامع در حال توسعه که شاهد افزایش تقاضای مشارکت سیاسی و فاقد نهادهای سیاسی لازم هستند وقوع انقلاب ممکن می‌گردد (هانتینگتون، سامان سیاسی، ۱۳۹۲). هانتینگتون معتقد است که بی‌ثباتی سیاسی زمانی رخ می‌دهد که نهادهای سیاسی جامعه توان پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی را از دست می‌دهند و شکاف میان مشارکت سیاسی و ظرفیت نهادی افزایش می‌یابد (هانتینگتون، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۹۲).

اگر این دیدگاه را به تحولات ایران در سال ۱۴۰۱ تطبیق دهیم:

- افزایش مشارکت سیاسی: اعتراضات گسترده‌ای شکل گرفت که نشان‌دهنده مطالبه مشارکت سیاسی از سوی گروه‌هایی بود که پیش‌تر کمتر در صحنه سیاسی نقش داشتند. این وضعیت با تحلیل هانتینگتون همخوانی دارد.
 - کمبود نهادهای جذب‌کننده مشارکت: هانتینگتون تأکید دارد که اگر یک جامعه فاقد نهادهای لازم برای مدیریت و هدایت این مشارکت باشد، احتمال بی‌ثباتی بیشتر می‌شود. در ایران ۱۴۰۱، به نظر می‌رسد که شکاف میان تقاضای مشارکت و نهادهای سیاسی موجود قابل توجه بود.
 - توسعه اقتصادی در مقابل توسعه سیاسی: طبق نظریه هانتینگتون، کشورهایی که رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند اما توسعه سیاسی نهادین نداشته‌اند، مستعد انقلاب هستند. ایران نیز در برخی حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تغییرات داشته، اما ساختار سیاسی هنوز دستخوش تحول بنیادین نشده است. بر این اساس ایران ۱۴۰۱ برخی شرایط لازم برای بی‌ثباتی سیاسی را داشت (هانتینگتون، سامان سیاسی، ۱۳۹۲).
- مهمترین نکته ای که در جریان این نا آرامی ها به ذهن متبادر می شود بی اعتمادی مردم و گروه های معترض و مطالبه گر به نهادهای مدنی، صنفی و احزاب برای رساندن صدای خود به مسئولان و نخبگان حکومتی است. این بی اعتمادی باعث شده است این گروه ها بصورت مستقیم و از طریق اعتراضات و اعتصابات خیابانی اهداف و مطالبات خود را دنبال کنند. هانتینگتون اغتشاشات را به‌عنوان نشانه‌ای از بی‌ثباتی تمدنی و برخورد میان گروه‌های مختلف در یک جامعه می‌بیند. او معتقد است که در جوامعی که دارای تنوع فرهنگی و تمدنی هستند، احتمال وقوع اغتشاشات بیشتر است، زیرا گروه‌های مختلف ممکن است احساس کنند که هویت یا منافعشان تهدید شده است. این اغتشاشات می‌توانند به درگیری‌های گسترده‌تر منجر شوند و حتی تغییرات سیاسی و حکومتی را به دنبال داشته باشند (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ۱۳۸۴).

رویکرد شهید امام خامنه ای (ره)

طراحی اغتشاشهای پاییز سال ۱۴۰۱ در اتاقهای فکر کشورهای غربی انجام گرفت؛ طراحی جامعی هم انجام دادند؛ طراحی در اتاقهای فکر غربی، پشتیبانی مالی و رسانه‌ای و تسلیحاتی به وسیله‌ی دستگاه‌های امنیتی غربی. پشتیبانی کردند؛ هم پشتیبانی مالی کردند، هم پشتیبانی تسلیحاتی کردند، هم پشتیبانی رسانه‌ای وسیع و گسترده انجام دادند. پادویی کار را تعدادی از عناصر خائنی که پشت به وطن کرده بودند انجام دادند؛ پادویی‌اش را عناصری کردند که به کشورشان خیانت کردند؛ از اینجا رفتند خارج و مزدور و عامل سیاستهای دشمن ایران شدند. یک عده هم پیاده نظام آنها در داخل بودند. این پیاده نظام ترکیبی [بود] از تعداد معدودی آدمهای مغرض، تعداد بیشتری آدمهای غافل و احساساتی و کم عمق و جمعی هم اراذل و اوباش؛ اینها هم پیاده نظام این اغتشاش بودند. از اتاقهای فکر دشمنان در کشورهای غربی بگیرد تا اراذل و اوباش خیابانهای تهران و بعضی شهرهای دیگر؛ این، مجموعه‌ی این حرکت بود. فکر همه جایش را کرده بودند؛ رادیوها و تلویزیونهای کشورهای خارجی بی‌ملاحظه، بدون رودربایستی ساختن بمب دستی را به مردم یاد میدادند؛ شعار تجزیه‌ی ایران را در زبان‌های آنها قرار دادند؛ حرکت مسلحانه‌ی داخل خیابانها را با سلاحهای قاچاق ترویج کردند؛ اراذل و اوباششان، جوان دانشجو یا طلبه‌ی بسیجی، یا عنصر انتظامی، یا عنصر بسیجی را در خیابان، جلوی چشم مردم با شکنجه به قتل رساندند و شهید کردند. تا عظمت ملت ایران و عظمت انگیزه و ایمانی که در ملت ایران هست بیشتر روشن بشود. (در دیدار با مسوولین و مردم اصفهان ۱۴۰۱/۸/۲۸) و در ارتباط شعار زن، زندگی و آزادی، رهبری معظم فرمودند: مسئله‌ی خانمها فقط پوشش نیست؛ زن مسئله‌ی تحصیل دارد، مسئله‌ی اشتغال دارد، مسئله‌ی ازدواج دارد، مسئله‌ی فعالیت سیاسی دارد، مسئله‌ی حضور در مسائل اجتماعی دارد، مسئله‌ی حضور در مدیریتهای بالای دولتی دارد؛ اینها همه مسائل زن است. در کدام یک از اینها در کشور، آزادی وجود ندارد؟ جمهوری اسلامی در کدام

یک از این موارد در کار زنها دخالت کرده و جلوی آزادی‌شان را گرفته؟ این همه دختر محصل، این همه دختر دانشجو، این همه زن دارای مشاغل بالای دولتی، این همه خانمهای تشکیل‌دهنده‌ی اجتماعات بزرگ، این حضور فعال زنها در اجتماعات مؤثر دوران مبارزات، قبل از پیروزی انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب، در جنگ، در پشت جبهه، تا امروز در تظاهرات، در راه‌پیمایی‌ها، در بیست‌ودوم بهمن، در روز قدس؛ زن در کجای دنیا این همه فعالیت انجام میدهد که زنان ایرانی و بانوان ایرانی با افتخار و سربلندی دارند انجام میدهند؟ دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد. مسئولین برنامه داشته باشند و دارند؛ ان‌شاءالله این کار با برنامه دنبال بشود. (امام خامنه‌ای، در دیدار با مردم و مسوولین ۱۴۰۲/۱/۱۵). در اغتشاشهای سال ۱۴۰۱ رئیس‌جمهور کشور مثل آمریکا صریحاً از اغتشاشهای درونی کشور پشتیبانی کرد. رؤسای جمهور و رؤسای دولت بعضی از کشورهای اروپایی هم صریحاً از این اغتشاشها - که یک درصد بسیار اندکی از ملت ایران بودند حمایت کردند؛ هدف، ضعیف کردن جمهوری اسلامی بود، اما آنچه در صحنه اتفاق افتاد، درست بعکس آن چیزی بود که آنها خواسته بودند. جمهوری اسلامی نشان داد که قوی است، ضعیف نیست. بر چنین توطئه‌ی جهانی‌ای فائق آمد و به دنیا نشان داد که قوی است. بیست‌ودوم بهمن سال ۱۴۰۱، از همه‌ی بیست‌ودوم بهمن‌های این چند سال قبل پرشورتر و پرجمعیت‌تر بود؛ این نشان‌دهنده‌ی استحکام درونی ملت ایران است. (پیام نوروزی امام خامنه‌ای ۱۴۰۲/۱/۱). در قضایای اغتشاشات ۱۴۰۱، نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود، اما محاسبه‌ی آنها غلط بود؛ «نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود»، یعنی همه‌ی عوامل مسلطی را که یک قدرت میتواند برای اخلال و تخریب در یک کشور به کار ببرد به کار انداخت، همه‌ی این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البته وضعیّت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل

استفاده کنند. عامل امنیتی، نفوذ، تیم‌های جاسوسی از همه طرف. غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکلهای مختلف به وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و در کل استکبار جهانی شروع شد. همراه کردن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمی است. اینها عواملی هست که دشمن همه‌ی اینها را ردیف کرده بود خیال میکردند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور آمریکا اراده‌ی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار بدهند. اشتباه کردند؛ اراده‌ی قوی جمهوری اسلامی از همه‌ی این عواملِ قدرتِ آنها قوی‌تر بود. علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش کردند و چون محاسباتش غلط بوده شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد. (امام خامنه‌ای ۱۴۰۱/۱۰/۲۲ در دیدار با مسوولین و مردم).

در اغتشاشات ۱۴۰۱ ملت ایران از تهدید استفاده کرد. حقیقت خودش و جهت‌گیری خودش را نشان داد؛ سیزدهم آبان. [سال ۱۴۰۱] با همه‌ی سالهای قبل فرق داشت. یک عده‌ی معدود به خواسته‌ی آمریکا داخل خیابانها آمدند، [اما] ملت عظیم ایران در سیزدهم آبان آمدند علیه آمریکا شعار دادند. در شهادت (جوان‌های ما) یک جمعیت عظیمی برای تشییع جنازه بیرون آمدند! عکس‌العمل مردم این است. از آن تهدید فرصت درست میکنند؛ یعنی مردم خودشان را نشان میدهند؛ میگویند: ما این جور هستیم. شما جوان ما را به شهادت میرسانید، همه‌ی ما پشت این جوانیم! درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که دشمن میخواهد القا کند. ملت ایران آمدند در خیابان، خودش را نشان داد. از این تهدید استفاده کرد، فرصت درست کرد. فرصت دیگری که درست شد، چهره‌ی صحنه‌گردان‌ها روشن شد. مسجد سوزاندند، قرآن سوزاندند؛ با ایران دشمنی کردند، پرچم ایران را سوزاندند، به سرود ملی ایران بی‌احترامی کردند؛ چهره‌های اینها روشن شد.. بنابراین یکی از مطالب این است که ملت

ایران از این تهدید، فرصتهای متعددی برای خودش درست کرد (۱۴۰۱/۸/۲۸) در دیدار با مردم و مسوولین).

در بیانات شهید امام خامنه‌ای، پیرامون تغییرات اجتماعی و تهدیدات دشمن در ایجاد ناآرامی و اغتشاش و دفاع از نظام جمهوری اسلامی محورهایی قابل توجه است که به آنها اشاره می‌شود.

۱. نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در تحریک و سازماندهی اعتراضات

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها هشدار داده بودند که «اگر شما روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند» و این جمله‌ی ایشان به‌وضوح نشانگر درک رهبری از اهمیت میدان روایت در شکل‌دهی به ادراک اجتماعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در سال ۱۴۰۱ دقیقاً چنین خلأهایی را پر کردند؛ محتوای تصویری و ویدیویی با سرعت منتشر شد و روایت غالب را شکل داد. آنچه رهبری از آن به‌عنوان «جنگ روایت‌ها» یاد کرد، در عمل به عرصه‌ای تبدیل شد که کنشگران داخلی و بازیگران خارجی همزمان در آن فعالیت می‌کردند در پایان، هم بیانات رهبری و هم داده‌های میدانی پژوهش بر این نکته اتفاق نظر داشتند که مبارزه با جنگ روایت‌ها تنها به سانسور یا حذف محتوا مربوط نیست، بلکه مستلزم تولید روایت‌های مستدل، مستند و جذاب از سوی بازیگران داخلی است.

۲. ریشه‌های اقتصادی و معیشتی ناراضی‌ها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بارها بر اهمیت حل مسائل معیشتی و اقتصادی مردم تأکید کرده بودند و اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی و کاهش وابستگی به نفت را از راهکارهای اساسی برشمرده بودند. ایشان نقد کرده بودند که مسائل اقتصادی را نباید تنها به تحریم‌ها فروکاست، بلکه ضعف مدیریت و غفلت از ظرفیت‌های داخلی نیز در ایجاد

فشارهای اقتصادی موثر بود. یافته‌های پژوهش این منظر رهبری را تایید کردند؛ داده‌ها نشان دادند که افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی، سقوط بورس و از دست رفتن پس‌انداز بخش‌های وسیعی از جامعه، زمینه‌ی روانی و عینی نارضایتی را تعمیق بخشید. پژوهش نشان داد که فقدان این سازوکارها موجب شد رابطه‌ی مردم با نهادهای دولتی دچار خدشه شود و بخش از بدنه اجتماعی به کنش‌های اعتراضی و در پاره‌ای موارد خشونت‌زا روی آورد. در نهایت، هم بیانات رهبری و هم شواهد میدانی حاکی بودند که حل مشکل معیشت و بازگرداندن امید به جامعه شرط لازم برای کاهش تنش‌های اجتماعی بوده است.

۳. جنگ روایت‌ها و نقش رسانه‌های غربی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جنگ روایت‌ها را به‌عنوان میدان اصلی تقابل عصر جدید معرفی کردند و تاکید کردند که رسانه‌های بیگانه با روایت‌سازی تحریف‌آمیز می‌توانند «جای ظالم و مظلوم را عوض کنند». رهبر انقلاب تاکید کرده‌اند که «جهت‌گیری اساسی صداوسیما باید درست نقطه‌ی مقابل همان جهت‌گیری‌ای باشد که آن‌ها دارند» (دیدار با مدیران صدا و سیما ۲۸، اردیبهشت ۱۳۸۳). ایشان بیان داشتند که دشمن قصد دارد هویت ملی و ارزش‌های اسلامی را تضعیف کند و امید جوانان را کاهش دهد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که فعالیت رسانه‌های خارجی عمدتاً بر بزرگ‌نمایی ضعف‌ها، ایجاد یأس و برجسته‌سازی مشکلات متمرکز است. (در دیدار با مردم و مسوولین، ۱۱ بهمن ۱۳۸۰).. یافته‌های پژوهش نشان داد که بسیج عمومی رسانه‌ای، اثرگذاری پیام‌ها را افزایش می‌دهد و خلأ موجود در مقابله با رسانه‌های خارجی را کاهش می‌دهد. بنابراین فعال‌سازی تمام ظرفیت‌های انسانی و رسانه‌ای کشور، یکی از الزامات مهم موفقیت جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی است.

پیشینه مرتبط با وقایع ایران و تهران:

ایران به‌عنوان یکی از تمدن‌های باستانی و اسلامی، همواره در مرکز توجه نظریه‌پردازان تمدنی بوده است. در سال‌های اخیر، تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران، از جمله اعتراضات گسترده، به‌عنوان نمونه‌هایی از تضادهای تمدنی داخلی و خارجی تحلیل شده‌اند. تهران، به‌عنوان پایتخت و مرکز اصلی تحولات، نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است. مطالعات مختلفی به بررسی نقش هویت تمدنی، جهانی شدن و تأثیر رسانه‌ها در شکل‌گیری این تحولات پرداخته‌اند. برای مثال، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که چگونه ارزش‌های سنتی و مدرن در تهران با یکدیگر در تضاد قرار گرفته و منجر به تنش‌های اجتماعی شده‌اند. ساموئل هانتینگتون از نظریه‌پردازان معاصر سیاسی و اجتماعی می‌باشد. او در سال ۱۹۶۸ کتابی با عنوان سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، نوشته است. او در این کتاب به غیر از نظریه انقلاب با مضمون نوسازی اقتصادی و عدم نهادمندی سیاسی، بحثی جدی پیرامون دو نوع الگوی انقلابها را نیز مطرح می‌کند؛ الگوی غربی انقلاب و الگوی شرقی انقلاب این پژوهش روی مباحث تئوریک الگوهای انقلاب هانتینگتون تکیه دارد. برای هر کدام از الگوها ویژگی‌هایی بر شمرده می‌شوند که این ویژگی‌ها بر اساس سه جنبه اصلی الگوهای انقلاب می‌باشند. سه جنبه اصلی الگوهای انقلاب نابودی سریع و خشونت آمیز نهادهای سیاسی موجود تحرک گروه‌های تازه به صحنه سیاست آمده و آفرینش نهادهای سیاسی نوین می‌باشند. این سه در هر دو الگوی انقلابها وجود دارند و تفاوت در نوع ارتباط بین این جنبه‌ها، وجه مشخصه تفاوت در الگوهای انقلاب می‌باشد. از تفاوت‌های مهم الگوی غربی و شرقی انقلاب از نظر هانتینگتون این نکته می‌باشد که در الگوی غربی تحرک سیاسی پیامد سرنگونی رژیم پیشین است. اما در الگوی شرقی این تحرک علت نابودی رژیم پیشین می‌باشد (هانتینگتون سامان سیاسی، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۹۲). ویژگی‌ها و تفاوت‌های مهم دیگری نیز برای دو نوع الگوی انقلاب مطرح شده‌اند که در این پژوهش در مورد انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرند هانتینگتون، انقلاب‌های بوقوع پیوسته

فرانسه، روسیه، مکزیک و انقلاب چین در نخستین مراحل را در قالب الگوی غربی جای می دهد و آخرین مراحل انقلاب چین، انقلاب ویتنام و نبردهای ضد استعماری در برابر قدرت های امپریالیستی را به الگوی شرقی نزدیکتر میدانند بسیاری از نویسندگان حوزه علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را آخرین انقلاب بزرگ قرن بیستم (میلادی) دانسته اند (مدنی، علی، ۱۳۹۹). بنابراین تطبیق آن با الگوهای انقلاب هانتینگتون میتواند به فهم هر چه بیشتر انقلاب اسلامی و غنای ادبیات مربوط به آن و نیز شناخت پیامدهای آن انقلاب کمک نماید. در نتیجه، مسأله و هدف پژوهش این میباشد که شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و پیامدها و وضعیت های پس از وقوع آن با ویژگی ها و مشخصه های خاص خود در قالب کدام یک از الگوهای انقلاب هانتینگتون قرار می گیرد. به عبارت دیگر هدف پژوهش در نحوه و شکل کاریست نظریه الگوهای انقلاب هانتینگتون در مورد انقلاب اسلامی میباشد تا نحوه وقوع انقلاب اسلامی و پیامدها و وضعیت های پس از وقوع آن از زاویه جدیدتری مورد بررسی قرار گیرد (انصاری فرد و صالحی، ۱۴۰۱). برداشتن گام جدیدی در تبیین و بررسی انقلاب اسلامی در قالب نظریه های انقلاب، اهمیت موضوع این پژوهش را نشان میدهد. عدم پژوهش علمی دقیق پیرامون کاریست نظریه الگوهای انقلاب هانتینگتون در مورد انقلاب اسلامی و نیازمند بودن به استفاده از نظریه های مختلف انقلاب برای تحلیل انقلاب اسلامی انجام این پژوهش را ضروری ساخت امید است، با بررسی و تبیین انقلاب اسلامی از زاویه های مختلف و جدید شناخت از این تحول عظیم بیشتر شود و فرایند وقوع انقلاب و پیامدهای پس از وقوع آن را بهتر و علمی تر بتوان تجزیه و تحلیل کرد. (هانتینگتون، ترجمه مجتبی امیری، ۱۳۸۴).. با توجه به جدید بودن موضوع پژوهشی، مبنای نظری بر نظریه الگوهای انقلاب هانتینگتون قرار گرفت که در قالب دو الگوی غربی و شرقی به یازده ویژگی یا تفاوت آنها می پردازد. روش به کار گرفته شده روش جامعه شناختی تاریخی - تحلیلی می باشد که با استفاده از شواهد و اسناد تاریخی در قلمرو زمانی

۱۵ ساله (۵۷-۱۳۴۲) سعی نموده است که اطلاعات لازم برای قالب الگوهای غربی و شرقی انقلاب جستجو شود. فرایند وقوع انقلاب اسلامی بر اساس شواهد و اسناد یک فرایند ویژه ای میباشد که به یک الگوی انقلاب وفادار نمی ماند و بر اساس شرایط خاص وقوع خود به طور متناوب در یازده ویژگی می چرخد به نوعی که میتوان انقلاب اسلامی را در هر دو الگو دید؛ بدین معنی که از مجموع یازده تفاوت یا ویژگی انقلاب اسلامی در شش مورد به الگوی شرقی انقلاب و پنج مورد نیز به الگوی غربی نزدیکتر می باشد. این تناوب جایگاهی در دو نوع الگوی انقلاب میباشد که در نتیجه گیری نهایی ویژگی های فرایند شکل گیری انقلاب اسلامی ایران با تلفیق و ترکیبی از ویژگی های الگوهای غربی و شرقی انقلاب هانتینگتون سنخیت بیشتری دارد و قابل توضیح میباشد. در پایان پس از اعلان نظر مبنی بر تصرف قدرت به ترتیب توسط میانه روها و تندروها بعد از وقوع انقلاب اسلامی بیان شد که کاربست مورد پژوهش مثل همه نظریه های واحد دیگر جنبه ای خاص از جوانب واقعیت عظیم انقلاب اسلامی را توضیح میدهد.

تهران و موقعیت آن

تهران، پرجمعیت ترین شهر و پایتخت کشور ایران، مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. این شهر در برآورد سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۹۰۰۳۹۰۰۰ نفر جمعیت داشته است و براساس برآورد سال ۲۰۱۸ سازمان ملل متحد، سی و چهارمین شهر پرجمعیت جهان و پرجمعیت ترین شهر غرب آسیا محسوب می شود. کلان شهر تهران نیز دومین کلان شهر پرجمعیت خاورمیانه است. با انقلاب ۱۳۵۷ و آغاز جنگ ایران و عراق، برای نزدیک به یک دهه توسعه ای در تهران صورت نگرفت و پس از پایان این دوره، توسعه ی پایتخت ایران ادامه یافت و تهران به کانون پذیرش جمعیت در ایران تبدیل شد. برخی از عوامل کلیدی که تهران را به کانون این تنش ها تبدیل کرده اند عبارت اند از:

تمرکز بیش از حد جمعیت و منابع ، چالش‌های زیست‌محیطی و زیرساختی، زیرساخت‌های فرسوده از جمله مشکلاتی هستند که تهران را در وضعیت بحرانی قرار داده‌اند. این مسائل باعث افزایش نارضایتی عمومی و شکل‌گیری اعتراضات شده‌اند.

بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، استان‌هایی که بیشترین مهاجر را به تهران فرستاده‌اند، شامل استان مرکزی با ۹/۲۱ درصد، استان تهران با ۷/۱۵ درصد، استان اصفهان با ۷/۵ درصد و استان تهران کانون اقتصادی ایران است. همچنین این شهر به عنوان پایتخت سیاسی ایران، مشاغل فراوانی در زمینه‌های گوناگون دارد و اولین منطقه‌ی صنعتی کشور محسوب می‌شود..

ناآرامی های سال ۱۴۰۱

پس از مرگ مهسا امینی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ سلسله آشوب ها و ناآرامیهایی در سراسر کشور انجام گرفت که دامنه و بسامد آن در تهران بسیار شدیدتر از سایر مناطق کشور بود. از بین تمامی ناآرامیهای کشور در سال ۱۴۰۱، در شهر تهران بیشتر در روزهای ۲۵ شهریور تا ۳ مهرماه شورش های قابل توجهی به طور ممتد و پیوسته شکل گرفت که بازتاب ملی و جهانی داشت جدول ۳ ویژگیهای عمده ناآرامی های سال ۱۴۰۱ عبارت بود از:

- ۱) اینترنت پایه بودن اعتراضات و نقش آن در پخش و ویروسی شورش ها،
- ۲) دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی،
- ۳) دارای گستردگی جغرافیایی در شهرهای کشور با تعداد افراد کم (تجمعات پر تعداد و کم جمعیت)،
- ۴) تغییر تاکتیکهای مبارزه در سطح شهر مانند محله محور بودن و نقطه ای بودن شورش ها،
- ۵) فعال شدن مناطق شمال شهر در عرصه اعتراضات.

جدول زیر مهمترین شورشهای شهر تهران در روزهای نخستین ناآرامیهای سال ۱۴۰۱

ردیف	روزهای نا آرام	مکان های شورش
------	----------------	---------------

مقابل بیمارستان کسری واقع در میدان آرژانتین در محدوده محله ساعی	۲۵ شهریور ۱۴۰۱	۱
دانشگاه تهران در خیابان انقلاب اسلامی	۲۷ شهریور ۱۴۰۱	۲
تقاطع خیابان وصال، محدوده بلوار کشاورز، خیابان حجاب و همچنین تجمع برخی دانشجویان در دانشگاه های تهران، شهیدبهشتی، تربیت مدرس، عالمه طباطبایی، امیرکبیر و دانشگاه هنر	۲۸ شهریور ۱۴۰۱	۳
خیابان ولیعصر تا چهارراه تئاتر شهر، تقاطع جمالزاده - بلوار کشاورز، محدوده بلوار کشاورز، خیابان حجاب، ولنجک، صادقیه، بازار تهران، خیابان الغدیر و همچنین تجمع در دانشگاه های شهیدبهشتی، علم و صنعت و دانشگاه تهران	۲۹ شهریور ۱۴۰۱	۴
میدان ولیعصر، تهرانپارس، زعفرانیه، چهارراه تئاتر شهر، میدان فردوسی	۳۰ شهریور ۱۴۰۱	۵
خیابان حجاب، بلوار کشاورز، نازیآباد، نظام آباد، تهرانپارس، خیابان ولیعصر، نیاوران، تجریش، صادقیه، نارمک، آریاشهر	۳۱ شهریور ۱۴۰۱	۶
بلوار کشاورز، خیابان ولیعصر، میدان انقلاب اسلامی، ستارخان، پیروزی، نیاوران، محله نارمک، صادقیه، اکباتان، تجریش، چهارراه پارک وی، آریاشهر	۲ مهر ۱۴۰۱	۷
ستارخان، آریاشهر، هفت حوض، شهرک اکباتان، سعادت آباد، پونک، محله نارمک، پردیس، صادقیه	۳ مهر ۱۴۰۱	۸

اعتراضات ۱۴۰۱ از جمله خیزش های اینترنت پایه بوده که در قرن کنونی در کشورهای مختلف جهان شاهد آن بوده ایم. درحالیکه این جنبشها معمولاً در شبکه های اجتماعی اینترنتی آغاز میشوند، تنها با اشغال فضای شهری تبدیل به جنبش میشوند، حال چه اشغال ایستای میدانهای عمومی باشد یا استمرار راهپیمایی های خیابانی. فضای حرکت های اینگونه شورش ها همیشه از تعامل بین فضای جریانها در اینترنت و شبکه های ارتباطی بیسیم از یک

سو و فضای مکان های اشغال شده و ساختمانهای نمادین هدف گیری شده توسط کنشهای جنبش از سوی دیگر ساخته میشود (کاستلز، ۱۴۰۱: ۱۸۷). به عبارتی دیگر و با بیانی سادهتر، اعتراض میتواند از طریق رسانه های اجتماعی سازماندهی شود، اما هیچ چیز تا وقتی نهایتاً به حضور در خیابان ها نینجامد، واقعیت پیدا نمی کند (اسنایدر، ۱۴۰۱: ۸۲). اعتراضات دانشجویی ایران در پی مرگ مهسا امینی و شروع اغتشاشات، از ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد. روش های این اعتراضات، راهپیمایی، تجمع، تحصن، خودداری از حضور در کلاس های درس و سر دادن شعارهای اعتراضی بود. جنس این اعتراضات نسبت و وقایع جنبش های دانشجویی گذشته متفاوت بود. که در آتی به آن خواهیم پرداخت. این اعتراضات در ۲۷ شهریور در دانشگاه تهران کلید خورد. شماری از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تجمع و تحصن اعتراضی برگزار کردند و در محوطه دانشکده روی زمین نشستند. «مهسا امینی»، «ژینا جان نمردی، نامت رمز می شود» از جمله نوشته های دانشجویان بر روی پلاکارد بود. جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در پردیس مرکزی راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند و شعار «زن، زندگی، آزادی» سر دادند. «ما نمی خواهیم بمیریم» و «من اعتراض دارم» از جمله نوشته های پلاکارد دانشجویان بود.

نقش دانشگاه ها در نا آرامی ها

دانشگاه های تهران در اعتراضات سال ۱۴۰۱ نقش بسیار مهمی ایفا کردند و به عنوان یکی از کانون های اصلی این تحولات شناخته شدند. بر اساس نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون، دانشگاه ها می توانند به عنوان مراکز تضاد تمدنی و فرهنگی عمل کنند، جایی که ارزش های سنتی و مدرن با یکدیگر در تعامل و گاهی در تضاد قرار می گیرند. در ادامه، نقش دانشگاه های تهران در این اعتراضات با جزئیات بیشتری بررسی می شود:

۱. مرکز تجمع و سازماندهی اعتراضات

دانشگاه‌های تهران، به‌ویژه دانشگاه تهران، دانشگاه شریف و دانشگاه علامه طباطبایی، به‌عنوان مراکز اصلی تجمع دانشجویان و روشنفکران، نقش کلیدی در سازماندهی اعتراضات داشتند. این دانشگاه‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و جایگاه اجتماعی خود، به بستری برای تجمعات و اعتراضات تبدیل شدند.

۲. تضاد میان نسل‌ها و ارزش‌ها

دانشگاه‌ها به‌عنوان محیط‌هایی که نسل جوان در آن‌ها حضور دارد، به مکانی برای بروز تضادهای فرهنگی و تمدنی تبدیل شدند. دانشجویان، که اغلب تحت تأثیر جهانی شدن و فرهنگ مدرن قرار دارند، خواسته‌هایی را مطرح کردند که ممکن است با ارزش‌های سنتی جامعه در تضاد باشد.

۳. نقش شبکه‌های اجتماعی

دانشجویان دانشگاه‌های تهران از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای هماهنگی و اطلاع‌رسانی استفاده کردند. این شبکه‌ها به انتقال سریع اطلاعات و سازماندهی اعتراضات کمک کردند و نقش مهمی در گسترش پیام‌های اعتراضی داشتند.

۴. نقش رسانه‌ای دانشگاه‌ها

دانشگاه‌های تهران به‌عنوان مراکزی که توجه رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کردند، نقش مهمی در بازنمایی اعتراضات داشتند. تصاویر و گزارش‌های منتشرشده از تجمعات دانشجویی، به شکل‌گیری دیدگاه‌های جهانی درباره اعتراضات کمک کرد. این نقش‌ها نشان می‌دهند که دانشگاه‌های تهران نه تنها به‌عنوان مراکز آموزشی، بلکه به‌عنوان کانون‌های اجتماعی و فرهنگی، تأثیر عمیقی بر اعتراضات سال ۱۴۰۱ داشتند. در حقیقت دانشگاه در ادامه یافتن و روشن ماندن چراغ اغتشاشات نقش به‌سزایی داشت ضمن آنکه روند درگیری‌ها معمولاً از دانشگاه به سمت خیابان بود. و هر تجمع دانشجویی نهایتاً به تجمعی در خیابان منجر می‌شد.

مقایسه دیدگاه امام خامنه ای (ره) و هانتینگتون :

۱. تأکید بر نقش عوامل خارجی

رهبری شهید ایران معتقد بودند که وقایع پاییز ۱۴۰۱ نتیجه‌ی طراحی اتاق‌های فکر غربی، با حمایت‌های مالی، رسانه‌ای و تسلیحاتی بوده است. هانتینگتون نیز در نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها» معتقد بود که درگیری‌های سیاسی و اجتماعی اغلب از تفاوت‌های فرهنگی و رقابت‌های جهانی نشأت می‌گیرند، و غرب در تلاش برای نفوذ به دیگر تمدن‌هاست (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ۱۳۸۴).

۲. توجه به نهادهای قدرت و ثبات سیاسی

رهبری فقید ایران بر نقش نیروهای مردمی و بسیج متعهد در مقابله با بحران تأکید کردند و آن را عاملی برای حفظ نظام و ثبات کشور دانستند. هانتینگتون نیز در نظریه‌ی «نظم و ثبات سیاسی» بیان می‌کند که حکومت‌ها برای جلوگیری از آشفتگی باید نهادهای قوی و سازمان‌یافته داشته باشند. رهبری شهید بر ضرورت برخورد قاطع با عواملان خشونت و جنایت تأکید دارند و نقش نهادهای قضایی را در حفظ نظم و امنیت برجسته می‌کنند. هانتینگتون نیز در نظریه‌ی «نظم و ثبات سیاسی» بیان می‌کند که حکومت‌ها باید نهادهای قوی داشته باشند تا بتوانند بحران‌ها را مدیریت کنند. (هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ۱۳۸۴).

۳. تفکیک گروه‌های معترض

رهبر شهید ایران معترضان را به چند دسته تقسیم می‌کنند: فریب‌خورده‌ها، عوامل تهدید، و جنایتکاران، و معتقدند که هر گروه باید برخورد متفاوتی دریافت کند. هانتینگتون نیز در تحلیل‌های خود درباره جنبش‌های سیاسی، معترضان را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند، از جمله اصلاح‌طلبان، انقلابیون، و نیروهای ضدنظام.

۴. نقش بحران‌ها در شکل‌دهی به هویت ملی

امام خامنه ای معتقدند که ملت ایران از تهدیدها برای نمایش انسجام و هویت خود استفاده کرده است، مانند حضور گسترده در سیزدهم آبان و تشییع شهدا و حضور در ایام الله ها هانتینگتون نیز در نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها» بیان می‌کند که بحران‌ها و درگیری‌ها می‌توانند موجب تقویت هویت فرهنگی و تمدنی شوند.

۵. تأکید بر نقش مردم در تحولات سیاسی

رهبری شهید بر نقش مردم در مقابله با تهدیدها و حفظ ارزش‌های ملی و دینی تأکید دارند. هانتینگتون نیز در نظریه‌ی «موج‌های دموکراسی» بر اهمیت جنبش‌های مردمی در تغییرات سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند (همان)..

تفاوت‌ها

هر چند شهید امام خامنه ای بارها به نگاه تمدنی در مواجهه با غرب سخن گفته اند اما آنچه در این مقال بصورت موضوعی مورد بررسی قرار گرفته است، مختص بیانات ایشان در رابطه با وقایع سال ۱۴۰۱ است با این توضیح به چند جنبه از این تفاوت‌ها می‌پردازیم.

۱. نگاه امنیتی در مقابل تحلیل تمدنی و ساختاری

رهبری شهید جمهوری اسلامی وقایع ۱۴۰۱ را به‌عنوان یکی از «تلاش‌های سخت دشمن» تحلیل کردند که توسط نیروهای خارجی و عوامل داخلی معاند هدایت شده است. هانتینگتون وقایع سیاسی را بیشتر در چارچوب تحولات گسترده‌تر، مانند گذارهای دموکراتیک یا رقابت تمدنی بررسی می‌کند و عوامل داخلی مانند نارضایتی‌های اجتماعی را مهم می‌داند. رهبری وقایع ۱۴۰۱ را به‌عنوان یک تهدید امنیتی تحلیل می‌کنند که نیاز به برخورد قاطع دارد. هانتینگتون بیشتر به روندهای بلندمدت سیاسی و اجتماعی توجه دارد و اعتراضات را بخشی از تحولات طبیعی حکومت‌ها می‌داند.

۲. نوع نگاه به معترضان و نیروهای مؤثر

در دیدگاه رهبری شهید، معترضان به سه گروه تقسیم می‌شوند: مغرضان، افراد غافل و اراذل و اوباش، که بخشی از یک پروژه خارجی بوده‌اند.

هانتینگتون در نظریه‌ی «موج‌های دموکراسی» بر نقش جنبش‌های مردمی در تحولات سیاسی تأکید می‌کند و اعتراضات را بخشی از روندهای طبیعی گذار حکومت‌ها می‌داند. به عبارت دیگر؛ رهبری بر نقش اتاق‌های فکر غربی در طراحی اغتشاشات تأکید دارند و آن را بخشی از یک پروژه خارجی می‌دانند.

هانتینگتون در نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها» معتقد است که درگیری‌های سیاسی اغلب ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و تمدنی هستند، اما او کمتر بر نقش مستقیم طراحی خارجی در اعتراضات داخلی تأکید دارد.

۳. مسیر آینده و سیاست‌گذاری

رهبری شهید هشدار دادند که دشمن همچنان در حال طراحی توطئه‌های جدید است و ملت باید هوشیاری خود را حفظ کند.

هانتینگتون، با رویکردی ساختاری، بر ضرورت اصلاحات تدریجی و تقویت نهادهای سیاسی تأکید می‌کند تا مانع از بحران‌های آینده شود. رهبری بر هوشیاری در برابر دشمنان و حفظ انسجام داخلی تأکید دارند.

هانتینگتون بر ضرورت اصلاحات تدریجی و تقویت نهادهای سیاسی برای جلوگیری از بحران‌های آینده تأکید می‌کند.

این مقایسه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های رهبری بر محور تهدیدهای خارجی و امنیت ملی متمرکز است، در حالی که تحلیل‌های هانتینگتون بیشتر به روندهای تمدنی و گذارهای سیاسی توجه دارد. در واقع این مقایسه نشان می‌دهد که دیدگاه‌های رهبری بیشتر بر امنیت و تهدیدهای خارجی متمرکز است، در حالی که هانتینگتون به روندهای ساختاری و تحولات سیاسی توجه دارد.

نتیجه‌گیری تحلیلی

بر اساس نظریه هانتینگتون و رویکرد امام خامنه‌ای، می‌توان گفت که اغتشاشات ۱۴۰۱ در ایران، به‌ویژه در تهران، صحنه‌ای از برخورد تمدنی میان دو منظومه فکری و فرهنگی بودند. این برخورد، نه تنها در سطح سیاسی، بلکه در سطح فرهنگی، معرفتی، و رسانه‌ای نیز جریان داشت. درک این لایه تمدنی، برای تحلیل دقیق‌تر تحولات اجتماعی ایران و ارائه راهکارهای مؤثر در مدیریت بحران‌های آینده، ضروری است.

تحلیل عوامل تبدیل اعتراضات سال ۱۴۰۱ به اغتشاشات نیازمند بررسی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. بر اساس اطلاعات موجود، برخی از عوامل کلیدی که در این فرآیند نقش داشتند عبارتند از:

نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: انتشار گسترده تصاویر و ویدئوهای اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی، باعث تشدید احساسات عمومی و گسترش اعتراضات شد. برخی از این محتواها ممکن است به تحریک خشونت یا تشدید تنش‌ها کمک کرده باشند.

ریشه‌های اغتشاشات ۱۴۰۱

انتخاب حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ با شعار «تدبیر و امید» و وعده‌های اصلاحات اقتصادی و تعامل با جهان، امیدهای زیادی را در میان مردم ایجاد کرد. اما در طول دو دوره ریاست جمهوری او، برخی سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی، به‌ویژه در زمینه برجام و مدیریت اقتصادی، باعث شد که بخشی از جامعه احساس کنند که دولت نتوانسته به وعده‌های خود عمل کند. مشکلات اقتصادی: افزایش تورم، کاهش ارزش ریال و مشکلات معیشتی از جمله

عواملی بودند که موجب نارضایتی مردم شدند. در سال‌های پایانی دولت آقای روحانی، تورم بی‌سابقه و سقوط بورس فشار زیادی بر مردم وارد کرد.

الگوی مفهومی

بر این اساس، الگوی مفهومی پژوهش ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ تهران که نتیجه‌ی تعامل میان عوامل ساختاری (اجتماعی، فرهنگی و تمدنی)، فرایندهای میانجی (افزایش مشارکت بدون نهادهای جذب‌کننده، تضاد هویتی، نقش رسانه‌ها) و عوامل اجرایی بود و منجر بروز ناآرامی‌ها، اغتشاش و بی‌ثباتی سیاسی در مدت ۶ ماه گردید با بهره‌گیری از چارچوب نظری امام خامنه‌ای و ساموئل هانتینگتون در قالب شش محور بشرح زیر ترسیم می‌گردد:

(۱) الگوی عوامل اغتشاش بر اساس نظریات امام خامنه‌ای



(۲) الگوی عوامل اغتشاش بر اساس نظریات هانتینگتون



بحث و نتیجه گیری

ناآرامی های پاییز ۱۴۰۱ نوع خاصی از آشوب با نمود جدید در کشور بود که حکایت از جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران داشت. سبک رفتاری این آشوب ها پیچیده، هوشمند، غیرمتمرکز، سیال و شبکه ای بود و با اتکا بر رسانه های خارجی و شبکه های اجتماعی، به همراه حمایت مالی و تبلیغاتی گسترده دشمنان دنبال شد. یکی از تفاوت های اصلی این مرحله با مراحل پیشین، محله محور شدن اقدامات خرابکارانه بود. هدف از این رویکرد، افزایش اثرگذاری و فرسایش توان نیروهای کنترلی، پنهان ماندن راهبران، ایجاد ناامنی محلی، بهره برداری از فضای دانشگاه ها، مدارس و تحریک نوجوانان و زنان برای

استمرار اعتراضات بود تحلیل اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی اغتشاش‌گران معطوف به تجزیه کشور و سوریه‌سازی ایران بود. دشمن با بهره‌گیری از تجربه‌های سوریه، سناریوهایی چون تعمیم مشکلات اقتصادی، شکاف سیاسی، عدم پاسخگویی به مطالبه‌گری سوء استفاده از شعار زن، زندگی و آزادی، دامن زدن به خشونت و جنگ روایت‌ها و ایجاد جنگ ذهنی و فلج اراده‌ها در قالب جنگ ترکیبی حدود ۶ ماه کشور را درگیر اغتشاش و بحران اجتماعی نمود.

۱. تحلیل بر اساس نظریه هانتینگتون

هانتینگتون در نظریه‌ی خود تأکید می‌کند که بی‌ثباتی سیاسی زمانی بروز می‌کند که سطح مشارکت سیاسی جامعه رشد کند، اما نهادهای جذب‌کننده و پاسخ‌دهنده به آن مشارکت توسعه نیافته باشند (هانتینگتون، سامان سیاسی، ۱۳۹۲). در تحلیل وضعیت ایران سال ۱۴۰۱ نیز می‌توان ردپای این نظریه را مشاهده کرد. از یک سو، تقاضای سیاسی و اجتماعی در میان نسل جوان و طبقات مختلف جامعه افزایش یافت. از سوی دیگر، برخی نهادهای سیاسی و اجتماعی نتوانستند این مطالبات را به صورت کارآمد جذب کنند. همین عدم تعادل، بستری برای اعتراضات و آشوب‌ها فراهم آورد. هانتینگتون در تحلیل انقلاب‌های غربی بر سقوط ناگهانی نهادهای سیاسی و شکل‌گیری رقابت میان میانه‌روها و تندروها تأکید می‌کند. در حالی که در انقلاب‌های شرقی، ابتدا تحرک نیروهای اجتماعی و سپس فروپاشی تدریجی نظام سیاسی رخ می‌دهد. رخدادهای ایران دقیقاً مطابق هیچ‌یک از این دو مدل نبود، اما برخی ویژگی‌های آن به الگوی شرقی شباهت داشت. با این حال، عنصر جدیدی که در نظریه‌ی هانتینگتون کمتر مورد توجه بوده، نقش رسانه‌های نوین و جنگ شناختی در تسریع و هدایت بحران‌هاست. در ایران، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی توانستند سرعت و دامنه‌ی ناآرامی‌ها را افزایش دهند. بنابراین از دیدگاه هانتینگتون، مدیریت بحران‌های مشابه

در ایران نیازمند اصلاحات نهادی، ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت سیاسی، و توسعه‌ی همزمان ساختارهای اقتصادی و سیاسی است.

۲. تحلیل بر اساس بیانات شهید امام خامنه‌ای

امام خامنه‌ای تأکید نموده‌اند که جنگ امروز دشمنان، بیش از آنکه نظامی یا سخت باشد، رسانه‌ای و شناختی است. ایشان مفهوم «جنگ روایت‌ها» را به‌عنوان میدان اصلی تقابل در عصر کنونی معرفی کرده‌اند. به باور ایشان، اگر نهادهای داخلی و نیروهای انقلابی حقایق را روایت نکنند، دشمن روایت دروغین خود را تحمیل خواهد کرد. رخداد‌های سال ۱۴۰۱ نشان داد که دشمنان با سرمایه‌گذاری سنگین رسانه‌ای و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تلاش نمود با بزرگ‌نمایی مشکلات و تحریف واقعیت‌ها، ذهن جوانان و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند. رهبر انقلاب تأکید دارند که دشمن از ابزارهایی چون دفاع نمایی از زنان یا حقوق بشر برای تحریک احساسات بهره می‌گیرد. به همین دلیل، ضرورت جهاد تبیین و تقویت روایت‌های صحیح بیش از پیش احساس می‌شود. ایشان معتقدند که برای مقابله با بحران‌های مشابه باید علاوه بر تقویت نهادهای سیاسی و اجتماعی، به ارتقای آگاهی عمومی و افزایش اعتماد مردم به رسانه‌های داخلی توجه شود. برخلاف هانتینگتون که بر نهادهای مدرن و ساختارهای رسمی تأکید دارد، رهبر انقلاب بر حفظ استقلال کشور، اتکا به ارزش‌های دینی، و تقویت نهادهای بومی و مردمی تأکید ویژه دارند. ایشان راهکارهایی چون برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، شفافیت در اطلاع‌رسانی، و استفاده از ظرفیت نخبگان را برای کاهش شکاف میان حکومت و مردم مطرح کرده‌اند. از نظر ایشان، ثبات سیاسی تنها با توسعه نهادی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند پیوند مستحکم میان نظام و مردم، ارتقای سرمایه اجتماعی، و مقابله هوشمندانه با جنگ نرم است. در نهایت، جمع‌بندی بیانات ایشان نشان می‌دهد که مقابله با ناآرامی‌های سیاسی باید چندلایه باشد و علاوه بر حوزه‌های

اقتصادی و سیاسی، ابعاد فرهنگی، اعتقادی و رسانه‌ای را نیز دربرگیرد. دیدگاه مقام معظم رهبری درباره توسعه سیاسی همواره بر مبنای اصول مردم‌سالاری دینی و اتکاء به ظرفیت‌های بومی استوار بوده است. ایشان معتقدند که مشارکت سیاسی باید نه تنها در قالب انتخابات، بلکه از طریق احزاب، تشکل‌های مردمی و گروه‌های میانجی تقویت شود تا پیوند عمیق‌تری میان مردم و حاکمیت ایجاد گردد. از نگاه ایشان، توسعه سیاسی بدون هویت ملی و استقلال واقعی، به سرعت دچار وابستگی به الگوهای غربی خواهد شد و این مسئله به تضعیف اقتدار و ثبات نظام منجر می‌شود. رهبر انقلاب بر لزوم گسترش فضای گفت‌وگو و نقد سازنده به‌عنوان فرصتی برای شکوفایی اندیشه‌ها و کاهش فاصله میان مردم و مسئولان تأکید کرده‌اند. از دیدگاه ایشان، نوسازی اقتصادی اگر با عدالت اجتماعی و اصول اقتصاد مقاومتی همراه نشود، به افزایش شکاف طبقاتی و آسیب‌پذیری کشور در برابر فشارهای خارجی خواهد انجامید. بنابراین، سیاست‌گذاری کلان باید بر مبنای ترکیب توسعه اقتصادی، عدالت، استقلال، و مشارکت واقعی مردم طراحی شود تا ایران اسلامی بتواند الگویی متمایز از توسعه سیاسی و اقتصادی را در جهان عرضه کند.

در دیدگاه آقای خامنه‌ای، وقایع سال ۱۴۰۱ در چارچوب یک جنگ ترکیبی و همه‌جانبه تبیین می‌شود. دشمن با بهره‌گیری همزمان از ابزارهای رسانه‌ای، روانی، اقتصادی و امنیتی در پی تضعیف انسجام ملی و سرمایه اجتماعی بوده است.

۳. مقایسه دو دیدگاهها

دیدگاه رهبری شهید درباره توسعه سیاسی بر پایه اصول مردم‌سالاری دینی و اتکای عمیق به ظرفیت‌های بومی شکل گرفته است. از نگاه ایشان، مشارکت باید واقعی، آگاهانه و همراه با مسئولیت‌پذیری باشد تا پیوند میان مردم و حاکمیت تقویت گردد. یکی از مؤلفه‌های اساسی در بیانات ایشان، ضرورت گسترش فضای گفت‌وگو، تضارب آرا و نقد سازنده

است که می‌تواند بستری برای رشد اندیشه‌های نو و کاهش فاصله میان مردم و مسئولان فراهم کند. امام خامنه‌ای شفافیت در سیاست‌گذاری و پاسخگویی دستگاه‌ها را لازمه اعتماد عمومی دانسته و مبارزه جدی با فساد اداری و اقتصادی را شرط بقای اعتماد ملی می‌داند. ایشان همچنین بارها خاطرنشان کرده‌اند که توسعه اقتصادی اگر با عدالت اجتماعی پیوند نخورد، نتیجه‌ای جز افزایش شکاف طبقاتی نخواهد داشت. در همین راستا، تأکید ویژه‌ای بر اقتصاد مقاومتی داشته‌اند که به‌زعم ایشان نه تنها ابزاری برای مقابله با تحریم‌ها، بلکه مدلی بومی برای پیشرفت اقتصادی با عدالت است. ایشان استقلال سیاسی و اقتصادی را دو بال اساسی برای حفظ امنیت و اقتدار ملی معرفی کرده‌اند. بنابراین، طراحی سیاست‌های کلان باید بر مبنای ظرفیت‌های درونی، تجربه‌های ملی و ارزش‌های اسلامی صورت گیرد. در دیدگاه ایشان، عدالت نه یک شعار سیاسی، بلکه ستون اصلی حکمرانی اسلامی است که باید در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متجلی شود. ایشان الگوی مردم‌سالاری دینی را بدیلی در برابر دموکراسی لیبرال معرفی کرده‌اند و آن را نظامی می‌دانند که ضمن تضمین آزادی‌های مشروع، بر پایه ارزش‌های دینی و معنوی بنا شده است. به همین دلیل، رهبر شهید معتقدند که جمهوری اسلامی می‌تواند الگویی نوین از توسعه سیاسی و اقتصادی مبتنی بر عدالت، استقلال و مشارکت مردمی را در سطح منطقه و جهان باشد.

پیشنهادات کاربردی

۱. تقویت مشارکت سیاسی مستمر: نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد باید فرصت‌های مشارکت فعال مردم را فراتر از انتخابات فراهم کنند، از طریق احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی فعال.

۲. ارتقای سواد رسانه ای جوانان برای بهره گیری از شبکه های مجازی و ماهواره ای و روایت مرتبط با رخدادهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی برای مخاطبان
۳. گسترش فضای گفت و گو و تضارب آرا: ایجاد بسترهای رسمی و غیررسمی برای گفت و گوی سازنده و نقد انتقادی میان مردم و مسئولان می تواند به کاهش فاصله جامعه و حکومت و افزایش اعتماد عمومی کمک کند.
۴. شفافیت و پاسخگویی دستگاه های اجرایی و نهادهای سیاسی باید سیاست گذاری و عملکرد خود را به طور شفاف اطلاع رسانی کرده و پاسخگویی مستمر به مردم داشته باشند.
۵. حل مشکلات اقتصادی در راستای عدالت اجتماعی: برنامه ریزی اقتصادی باید همزمان با کاهش شکاف طبقاتی و ارتقای عدالت اجتماعی صورت گیرد؛ استفاده از مدل اقتصاد مقاومتی می تواند این هدف را تسهیل کند..
۶. توانمندسازی نسل جوان: به جوانان نقش فعال در مدیریت، تصمیم گیری و برنامه ریزی داده شود تا موتور محرک توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشند.
۷. ارتقای حکمرانی بر پایه عدالت: تمامی سیاست ها و اقدامات باید با محور عدالت طراحی و اجرا شوند تا مشروعیت نظام و اعتماد عمومی تقویت شود.
۸. توسعه سیاسی همزمان با رشد فرهنگی و معنوی: آموزش و پرورش، رسانه ها و نهادهای فرهنگی باید همزمان با توسعه سیاسی، ارتقای فرهنگ عمومی و ارزش های معنوی جامعه را دنبال کنند.

۹. الگوی مردم‌سالاری دینی: معرفی و ترویج مدلی از توسعه سیاسی و اقتصادی که ضمن تضمین آزادی‌های مشروع، بر پایه ارزش‌های دینی و هویت ملی استوار باشد و قابلیت الگوسازی در سطح منطقه و جهان را داشته باشد.

منابع و ماخذ

- امام خامنه‌ای (سخنرانی‌های معظم له از تاریخ ۱۴۰۱/۸/۲۸ تا ۱۴۰۲/۳/۱۴ پیرامون بحران و اغتشاش ۱۴۰۱)
- احمدی اسماعیل خان، و شمسایی، علی (۱۳۹۲) ناآرامی‌های اجتماعی و بحران‌های سیاسی در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲). تحلیل حقوقی ناآرامی‌های شهری. تهران: دانشگاه علوم قضایی.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰) جنگ نرم تهران، انتشارات کیشان
- سوری، محمد (۱۳۹۴) بحران‌های اجتماعی و مدیریت آن در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شاه‌بهرامی، باقر (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی شورش‌های شهری. تهران: انتشارات سمت.
- مدنی، علی (۱۳۹۹). شورش‌های شهری و امنیت اجتماعی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴) برخورد تمدن‌ها ترجمه مجتبی امیری، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲) سامان سیاسی ترجمه محسن ثلاثی، تهران نشر علم

مقالات و فصلنامه‌ها:

- احتشامی بیات، دلیری، محمد، و شعبانی، علی. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی بحران‌های اجتماعی در ایران شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۴۸)

- انصاری فرد، حسین، و صالحی، حمید. (۱۴۰۱). واکاوی جامعه‌شناختی ناآرامی‌های اجتماعی سال ۱۴۰۱ ایران با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی شماره ۱ بهار ۱۴۰۲
- برزگر، محمد (۱۳۸۲). الگوهای پخش فضایی در شورش‌های شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی، شماره ۱۴، ۴۱.
- حافظ‌نیا، محمود، و فرجی، سلمان. (۱۳۹۵). تحلیل جغرافیای سیاسی میدان‌های شهری در تهران. فصلنامه جغرافیای سیاسی، پاییز ۱۳۹۵ شماره ۱۱
- رهبری، محمد، صفری، هادی (۱۴۰۱). فضای مجازی و قطب‌بندی سیاسی در ایران: مطالعه موردی واکنش‌های کاربران توئیتر فارسی، فصلنامه سیاست‌پژوهی، شماره ۱۲
- زرین کاله، علی، نجفی، سید. حسین، و هرمزی، محمد. علی. (۱۴۰۱). شناسایی تکنیک‌های عملیات روانی شبکه BBC فارسی علیه جمهوری اسلامی در اغتشاشات شهریور و مهرماه ۱۴۰۱. فصلنامه مطالعات امنیتی، شماره ۷
- عسگری، محمد. (۱۳۹۹). امنیت شهری و ناآرامی‌های اجتماعی. فصلنامه مطالعات انتظامی، شماره ۶ ص ۲۸۱.
- کاویانی‌راد، حامد، و عزیزی، کاوه (۱۳۹۰). فضای شهری و اعتراضات سیاسی. فصلنامه جغرافیای سیاسی بهار ۱۳۹۰ شماره ۹
- نوروزپور، محمد. (۱۳۹۸). رفتارشناسی معترضان در ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۰، ص ۱۹۵-۲۱۹.

• منابع انگلیسی

- Brinton, C. (1938). The anatomy of revolution. New York: Vintage Books.
- Castells, M. (2012). Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age. Cambridge: Polity Press.
- Gurr, T. R. (1970). Why men rebel. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Huntington, S. P. (1968). *Political order in changing societies*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Huntington, S. P. (1996). *The clash of civilizations and the remaking of world order*. New York: Simon & Schuster.
- Snyder, T. (2021). *On tyranny: Twenty lessons from the twentieth century*. New York: Ten Speed Press.
- Tilly, C. (1978). *From mobilization to revolution*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Huntington, S. P. (1993). The clash of civilizations? *Foreign Affairs*, 72(3), 22–49.
- Escobar, A. (1992). Culture, practice and politics: Anthropology and the study of social movements. *Critique of Anthropology*, 12(4), 395–432.
- Said, E. W. (2001). The clash of ignorance. *The Nation*, 273(13), 11–14.

Abstract

The present study aims to examine the roots and causes of the events of 2022 (1401 in the Iranian calendar) in Iran. These events encompassed widespread protests and unrest across various parts of the country, reflecting underlying social and political fractures. The primary objective of this research was to conduct a comparative analysis of these events using two different theoretical frameworks. Data were collected from speeches, analytical articles, media reports, and academic studies. A qualitative and comparative method was employed for data analysis. First, Samuel Huntington's theory of political instability was examined in detail. It was then applied to Iran's political and social structures to identify the strengths and limitations of the theory. Subsequently, the statements of Ayatollah Seyed Ali Khamenei were analyzed through content analysis to understand the cultural, spiritual, and security dimensions of the crisis. The findings indicated that the events of 2022 could not be explained solely through a single theoretical framework. Instead, they resulted from a complex interaction of structural, cultural, psychological, and international factors. Huntington's theory helped explain institutional gaps and weaknesses in political responsiveness, while Ayatollah Khamenei's perspectives provided insight into the cultural, religious, and security dimensions of the events. The study proposed an integrated model, demonstrating that managing similar crises requires the simultaneous strengthening of responsive institutions and social capital. Furthermore, enhancing public awareness and national cohesion is essential to mitigate social vulnerabilities. Ultimately, this research sought to bridge classical and local analyses, offering strategies to enhance social and political resilience.

Keywords: political instability, Huntington's theory, comparative analysis, Ayatollah perspective, qualitative analysis